

گام زدن بر یخ‌های نازک

غلامحسین دولت آبادی / آراز بارسقیان



نشر گنجینه

www.ketab.ir

سرشناسه: دولت آبادی، غلامحسین، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: گام‌زدن بر یخ‌های نازک: تراژدی در چهار پرده / غلامحسین دولت‌آبادی، آراز بارسقیان.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات یکشنبه، ۱۳۹۶.
شناسه افزوده: بارسقیان، آراز، ۱۳۶۳ -
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶/۶۸۴۲/۶۷ PIRA۰۴۷
رده‌بندی دیویی: ۸۵۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۴۱۹۸

...

غلامحسین دولت‌آبادی / آراز بارسقیان

گام‌زدن بر یخ‌های نازک

تراژدی در چهار پرده

...

مدیر هنری و طراحی یونیکورم: آرش تنهایی
تصویرسازی: جلد، رومبو، بارسقیان

...

امور پیش از چاپ: سر یکد
امور چاپ: هنگام
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول
قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۵۳-۶-۶

...

www.sundaypub.ir



sundaypub



t.me/sundaypub



نشر یکشنبه

© حق انتشار برای انتشارات یکشنبه محفوظ است.

هرگونه اجرا از این نمایشنامه منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر و مولفان است. هرگونه برداشت و اجرای دانشجویی چه در قالب کارهای کلاسی، چه اجراهای دانشگاهی، برای دانشجویان و اساتید آزاد است. اجرای بخش، قسمت و برداشت‌های آزاد از متن برای افراد حرفه‌ای تنها با هماهنگی ناشر و مولفان میسر است.
اجرا برای شهرستان‌ها آزاد است.

یادداشت نویسندگان

به قول پیتر بروک در زندگی هر روزه «اگر» یک خیال است، در تناثر «اگر» یک آزمون است. پس وقتی می خواهید دست به این آزمون بزنید مهم نیست از کجا شروع می کنید، مهم نیست اگر یک شب بهاری دو نفری در پارک بنشینید و به مردی تنها فکر کنید که چمدان به دست از یک «در» دراز به کشور برگشته است. چون آن جاست که دارید با یک خیال زندگی می کنید، وقتی مهم است که تصمیم می گیرد این خیال را به آزمون تبدیل کنید.

به قول یک دیگر در زندگی هر روزه «اگر» یک گریز است، در تناثر «اگر» حقیقت است. پس وقتی می خواهید تریزی از زندگی هر روزه داشته باشید سعی می کنید برای مرد چمدان به دستتان یک زندگی واقعی بسازید. اگرهایتان را به دل چیزی می برید که سال ها با عشق بهش اندیشه اید و منتظر لحظه مناسب هستید تا آن را به بهترین شکل ممکن تبدیل به یک حقیقت کنید. بروک می گوید: «ما می توانیم غیب می شویم این حقیقت را باور کنیم، آن وقت تناثر و زندگی یکی است. پس سعی می کنیم برای آدمی که بهش فکر کرده اید یک زندگی بیافرینید، در سفرش با او همراه شوید و هر چه را که می بیند و لمس کنید. بگذارید با شما تجربه کند، بگذارید با شما زندگی کند. وقتی به خودتان می آید می بیند که او دیگر تنها نیست، او است در کنار سایرینی که شما از دل اگرهای خیالی روزانه گرفته اید و سعی کرده اید به یک «اگر» حقیقی تبدیلش کنید. بروک تأکید می کند این هدفی عصبی است که می سخت می نماید. هر روز صبح ساعت مشخصی از خواب بیدار می شوید، در ساعت مشخصی به کار مشغول می شوید و به خودتان که می آید می بیند ماه های متوالی دارید این روند را ادامه می دهید. نمایش سختی کارتان با زندگی هر روزه شما و تجربیات لحظه به لحظهتان عجین شده و به تدریج سعی می کنید سختی درک نکردن متقابل همدیگر را عوض اینکه تبدیل به یک «اگر» در زندگی کنید، تبدیل به «اگر» حقیقی در دل نوشته ای که باید پیش برود می کنید. بروک ادامه می دهد نمایش به کار زیاد نیاز دارد. اما هنگامی که کار را همچون نمایش تجربه می کنیم، آن وقت دیگر کار نیست. و وقتی به خودتان می آید می بیند نمایشی هر روزه را تجربه کرده اید. هر روز بازی اش کردید. هر روز با شما همراه بوده و به تمام جاهایی که شما سفر کرده اید، سفر کرده و بهترین همراه و همپای سفرهایتان بوده و آن وقت متوجه می شوید چقدر پیتر بروک درست گفت که: «نمایش نمایش است.»

امیدواریم از خواندن متن لذت ببرید.

غلامحسین دولت آبادی / آراز بارسقیان

نکاتی درباره‌ی اجرا

صحنه‌ها

...زیاد هستند. باید سریع تعویض شوند. صحنه‌گردانان باید چابک باشند و ماهر. سعی شود در کمترین زمان ممکن هر صحنه عوض شود.

ساختمان

...سه طبقه دارد. باید از اواسط پرده‌ی دوم آن را آماده و تکمیل کنند. جای آن انتهای صحنه است. حتماً نورش، چرخ داشته باشد تا بتواند به راحتی جابه‌جا شود. نور روی آن ندهید، بگذارید صحنه‌گردانان آذین‌بندی‌اش کنند. طوری آن را بسازید که بشود در پرده‌ی سوم راحت طبقه‌ای از آن برداشت و طبقه‌ی دومش را تبدیل کرد به آشپزخانه. در پرده‌ی چهارم، طبقه دوم هم برداشته می‌شود و فقط یک نیم طبقه از آن باقی می‌ماند که رویش نمایش تکیه بر دیوار نمایش می‌شود.

لباس‌ها

...به آن‌ها بیش از حد لازم دقت کنید. سعی کنید با در نظر گرفتن فصل‌ها لباس‌ها انتخاب شوند. آن‌ها تجسم بیرونی شخصیت‌ها هستند پس باید در انتخابشان بسیار دقت داشت.

لوازم

...تا حد امکان از کمترین و ساده‌ترین وسایل استفاده کنید.

موسیقی

...از سه قطعه موسیقی الزامی در متن، دو قطعه‌اش وام گرفته از موسیقی فیلم نیویورک، جز به کل به کارگردانی چارلی کافمن است. موسیقی توسط جان بون نوشته و اجرا شده. قطعات اول و یازدهم از آن آلبوم مد نظر هستند.

نورها

...بسیار زیاد است اما پیچیده نیست. نورهای لازم در هر صحنه از نمایش توضیح داده شده.

بازیگران

...بازیگران باید توانایی بازی در چندین نقش را داشته باشند و بتوانند به سرعت گرم و لباسشان را عوض کنند.

استراحت

...بین هر پرده ده دقیقه تنفس پیشنهاد ولی بین پرده‌ی دوم و سوم، بیست دقیقه تنفس الزامی است.